

موضوع شناسی اقرار عند الحاکم

گروه علمی پژوهش های حقوقی

www.Ketab.ir

فرهودی، حسین، ۱۳۴۴-	سرشناسه
ایران، قوانین و احکام	عنوان قراردادی
Iran. Laws, etc.	
موضوع شناسی اقرار عندالحاکم / پژوهشگر حسین فرهودی؛ [برای] موسسه موضوع شناسی احکام فقهی، گروه علمی پژوهش های حقوقی.	عنوان و نام پدیدآور
قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۹.	مشخصات نشر
۱۱۹ ص: ۲۱/۵ × ۱۴/۵، س.م.	مشخصات ظاهری
978-600-837256-1 :	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. [۱۱۰]-[۱۱۹]؛ همچنین به صورت زیرنویس.	یادداشت
اقرار (فقه)	موضوع
Admissions (Islamic law)	موضوع
اقرار (حقوق) -- ایران	موضوع
Admissions (Law) -- Iran	موضوع
حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت	شناسه افزوده
موسسه موضوع شناسی احکام فقهی، گروه علمی پژوهش های حقوقی	شناسه افزوده
BP1۹۵/۵ :	رده بندی کنگره
۲۹۷/۳۷۵ :	رده بندی دیویی
۷۲۷۴۵۶۳ :	شماره کتابشناسی ملی

موضوع شناسی

اقرار عند الحاکم

مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی

گروه علمی پژوهش های حقوقی

پژوهشگر: حسین فرهودی

ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۵۶-۱

قم / بلوار محمد امین / بلوار جمهوری اسلامی / کوچه ۸ / پلاک ۵۲ /

ص.پ: ۱۱۱۸-۳۷۱۷۵ / تلفن و فاکس: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۵

www.mozooshenasi.ir / Email: info@mamsha.net

فهرست مطالب

بخش اول: مفهوم شناسی	۱۳
۱. اقرار	۱۵
۱-۱. معنای لغوی	۱۵
۱-۲. تعریف اصطلاحی	۱۶
۲. اعتراف	۲۰
۳. عند	۲۲
۳-۱. عند به معنی حضور	۲۳
۳-۱-۱. حضور حسی	۲۳
۳-۱-۲. حضور معنوی	۲۴
۳-۲. عند به معنی قرب	۲۴
۴. حاکم	۲۵
۴-۱. برخی مستندات استعمال در قضا و قاضی	۲۷
۴-۲. برخی مستندات استعمال در ولایت و ولی	۲۸
بخش دوم: اقرار عند الحاکم	۳۱
مبحث اول: اعتبار اقرار عند الحاکم از نگاه فقه	۳۳
گفتار اول. بیان دیدگاه اول	۳۵
۱. ذکر برخی از قائلین به اعتبار عند الحاکم	۳۵
۱-۱. نقل برخی عبارات	۳۵
۱-۱-۱. تصریح به اقرار عند الامام	۳۵
۱-۱-۲. عدم پذیرش شهادت بر اقرار به زنا، لواط و وطی	۳۵
حیوان، نسبت به اثبات حدّ	۳۷
۱-۱-۳. عدم پذیرش شهادت بر اقرار به قذف، نسبت به	۳۷
ثبوت حدّ	۳۹
۱-۲. بیان استفتائات	۴۱
۲. بیان ادله	۴۴

۴۴	۲-۱. صحیحہ محمد بن مسلم
۴۵	۲-۲. مرسلہ صدوق
۴۶	۲-۳. صحیحہ فضیل
۴۷	۲-۴. صحیحہ دیگر فضیل
۴۷	۲-۵. صحیحہ ضریس
۴۹	۳. اصل برائت
۵۱	گفتار دوم. بیان دیدگاه دوم
۵۱	۱. ذکر برخی از قائلین به عدم اعتبار عند الحاکم
۵۴	بیان استفتائات
۵۵	۲. ادله نظریه عدم اشتراط عند الحاکم
۵۶	۲-۱. اطلاق ادله اعتبار اقرار
۵۷	۲-۲. شهادت بر اقرار
۵۷	۳. روایات
۵۷	۳-۱. صحیحہ جعفر
۵۹	۳-۲. مرسله ابن ابی عمیر
۶۲	لکن به دو وجه استدلال به روایت تمام نیست:
۶۳	۴. نقل مواردی از فقه
۶۳	۴-۱. شهادت بر اقرار به رضاع
۶۴	۴-۲. شهادت بر اقرار به لواط و زنا
۶۵	۴-۳. اشتراط علم شاهد
۶۶	۴-۴. یک بار اقرار به سرقت
۶۷	۵. عدم تمامیت روایات مقید
۶۸	مبحث دوم: ماهیت اقرار عند الحاکم از نگاه قانون
۶۹	گفتار اول. اقرار در دعاوی حقوقی
۷۰	۱. اقرار شفاهی خارج دادگاه
۷۱	۲. اقرار کتبی خارج دادگاه
۷۳	گفتار دوم: اقرار در دعاوی کیفری
۷۸	۱. عدم اختصاص اقرار عند الحاکم به اقرار لفظی

۱-۱. اقرار کتبی عند الحاکم.....	۷۹
۱-۲. اقرار در ضمن دادخواست.....	۷۹
۱-۳. اقرار حین مذاکره در دادگاه.....	۸۶
۱-۴. اقرار در یکی از لایحه‌های تقدیمی به دادگاه.....	۸۸
۱-۵. اقرار فعلی عند الحاکم.....	۸۹
۲. بررسی سند روایت.....	۹۲
۳. بیان برخی مصادیق.....	۹۴
۳-۱. اقرار در دادگاه تجدید نظر.....	۹۴
۳-۲. اقرار در دیوان عالی کشور.....	۱۰۱
۳-۳. هیأت‌های عمومی.....	۱۰۳
۳-۳-۱. هیأت عمومی وحدت رویه قضایی:.....	۱۰۳
۳-۳-۲. هیأت عمومی شعب حقوقی یا شعب کیفری:.....	۱۰۴
۳-۴. اقرار در دادسرا.....	۱۰۵
۴. مراد از قاضی محکمه.....	۱۰۷
نتیجه‌گیری.....	۱۰۹
فهرست منابع.....	۱۱۰

چکیده

طبق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، یکی از ادله اثبات در دعاوی، اعم از حقوقی و جزایی اقرار علیه خود نسبت به مورد اتهام است که اعتبار آن مستند به کتاب، سنت و اجماع فقیهان است. این نوشتار در پی آن است که اثبات نماید آیا لازم است در مطلق دعاوی، اقرار نزد حاکم باشد یا این که چنین اناطه‌ای از منابع مرتبط قابل استفاده نیست. بررسی نشان از آن دارد که در بیشتر کتب فقهی این مسئله به صورت مستقل و تحت عنوان خاص یا در باب خاصی مطرح نشده و مورد بررسی فقیهان قرار نگرفته است. فقط برخی از آنان به این مسئله پرداخته‌اند؛ که از مجموع مطالب مطرح شده در این زمینه می‌توان گفت: در دعاوی حقوقی، اقرار، چه در دادگاه و در حضور قاضی صورت بگیرد و چه در خارج از دادگاه، از نظر فقه اسلامی و قانون مدنی، معتبر بوده و ارزش اثباتی و قضایی دارد، لکن لازم است وقوع قسم اخیر آن، برای قاضی با دلیل معتبر مثل شهادت بر اقرار به اثبات برسد؛ اما در دعاوی کیفری، اگرچه به دلیل قانع کننده‌ای در کتب فقهی مبنی بر لزوم اقرار نزد حاکم، نمی‌توان دست یافت، لکن طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۹ آیین دادرسی مدنی و هم چنین تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی که برخوردار از فتوای برخی فقیهان مثل آیات عظام، امام خمینی، نوری همدانی، اراکی و سبحانی است، اقرار نزد قاضی که حکم صادر می‌کند موضوعیت دارد و در غیر این صورت اقرار، ارزش اثباتی و قضایی نخواهد داشت. اقرار نزد قاضی منحصر به اقرار لفظی نیست و اعم از کتبی و فعلی است که به تفصیل در متن نوشتار با استناد به منابع فقهی و حقوقی به بررسی آن خواهیم پرداخت.

مقدمه

اقرار گرفتن و اعتراف کردن از جمله شیوه‌های عرفی اثبات حق است که در همه جوامع بشری کاربرد فراوان داشته و همه انسانها در تمام اعصار از آن بهره می‌جسته‌اند و مورد تأیید شرع مقدس اسلام نیز قرار گرفته است. در نتیجه پیشینه تاریخی این امر به آغاز خلقت انسان باز می‌گردد. قرآن کریم در آیات متعددی به برخی از موارد اقرار و اعتراف کردن انسانها در اعصار پیشین و نیز قیامت اشاره کرده است. از جمله می‌توان به اقرار همه انسانها به ربوبیت خداوند متعال،^۱ اقرار پیامبران و پیروان آنان به نبوت پیامبر بعدی،^۲ اقرار و تعهد بنی اسرائیل به عدم خونریزی،^۳ اقرار برادران یوسف به بی‌گناهی آن حضرت،^۴ اقرار گناهکاران به گناه خود در عالم آخرت^۵ و اقرار مشرکان به توحید خداوند متعال،^۶ اشاره نمود.

اقرار به لحاظ جایگاه مهمی که در بین ادله اثبات دارد، در فقه شیعه به

۱. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا»؛ (سوره اعراف، آیه ۱۷۲).

۲. «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَلَاحْزَنُكُمْ عَلَى ذَلِكَ إِصْرِي قَالُوا أَأَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»؛ (سوره آل عمران آیه ۸۱).

۳. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَضْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ»؛ (سوره بقره آیه ۶۴).

۴. «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»؛ (سوره یوسف، آیه ۹۷).

۵. «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُزِدُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ حَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ»؛ (سوره انعام، آیه ۱۳).

۶. «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَ يُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ»؛ (سوره یونس، آیه ۳۱).

عنوان یک قاعده مطرح شده^۱ و برای اعتبار و حجیت آن به کتاب^۲، سنت^۳، اجماع^۴ و سیره عقلا^۵ استناد شده است. با توجه به اینکه اقرار در مقایسه با ادله دیگر، دادرس را بهتر می‌تواند به اقناع وجدان برساند از اعتبار بیشتری برخوردار بوده و به عنوان قوی‌ترین اماره مطرح شده است.^۶ به بیان دیگر اقرار بین ادله دیگر ساده‌ترین طریقی است که می‌تواند صحت ادعای طرف را اثبات نماید و هرگونه تردید و اشکال را برطرف کند، زیرا از نظر تحلیلی هیچ عاقلی ادعای دیگری را که به زیان او است نمی‌پذیرد، مگر آنکه آن ادعا در واقع محقق باشد، چون انسان عاقل مختار، با توجه به زیان عملی اقرار علیه خود، آن را انجام نمی‌دهد.

مباحث اقرار، علاوه بر اینکه در کتب فقهی تحت عنوان «کتاب الاقرار»^۷ به تفصیل، طرح و مورد بررسی قرار گرفته، در برخی دیگر از ابواب فقهی از

۱. «ومن القواعد الفقهية المعروفة قاعدة «إقرار العقلاء على أنفسهم جائز»؛ (فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهية، ص ۶۳).

۲. «...أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَأَشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»؛ (ر. ک: محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۳، ص ۱۲۰).

۳. «الثاني: هي الأخبار، وعمدتها النبوي المشهور، وهو قوله ﷺ: «إقرار العقلاء على أنفسهم جائز»؛ (بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، القواعد الفقهية، ج ۳، ص ۵۰).

۴. «إقرار الحر البالغ الثابت العقل غير المولى عليه جائز على نفسه للكتاب والسنة و الإجماع»؛ (طوسی، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۳، ص ۱).

۵. «مدرك الحجية هو السيرة العقلانية فهي تقتضي ثبوت الحجية للإقرار»؛ (ایروانی، باقر، دروس تمهيدية في الفقه الاستدلالي، ج ۳، ص ۱۰۹).

۶. «وأقوى الأمارات هو الإقرار»؛ (آملی، میرزا محمد تقی، مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى، ج ۱، ص ۱۸۶).

۷. «کتاب الإقرار»؛ (خمینی، سید روح الله، تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۴۹).

جمله باب قضاء،^۱ حدود^۲ و قصاص^۳ نیز مطرح شده است. اثر اقرار آن است که اقرارکننده ملزم به لوازم اقرار خویش^۴ اعم از حقوقی و کیفری می گردد.^۵

۱. «المقصد الثاني في جواب المدعى عليه، وهو إقرار أو إنكار أو سكوت»؛ (خوانساری، سید احمد، جامع المدارك، ج ۶، ص ۲۲).

۲. «الإقرار ويشترط فيه...»؛ (فاضل اصفهانی، حسن بن محمد، كشف اللثام والإبهام، ج ۱۰، ص ۴۱۴).

۳. «الإقرار ويشترط فيه...»؛ (حلی، محمد بن حسن بن یوسف، إيضاح الفوائد، ج ۴، ص ۶۰۴).

۴. «مقرّ ملزم به اقرار خود خواهد بود»؛ (محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۳، ص ۱۴۹).

۵. «وإن الإقرار على النفس معناه تثبيت شيء عليها وبضررها، سواء كان مالا أو حقا أو أمرا مستتبعا لثبوت حق أو مال على النفس»؛ (فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهية، ص ۷۴).